

زیبایی شناسی زشت نگاری «تأملاتی در خاستگاه کمدی»

عطاءالله کوپال

عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده

کمدی آتنی بر اساس کهنترین متونی که امروزه در دسترس است، انباشته از هتاک‌ها و استهجان و رکاکت علیه شخصیت‌های سیاسی و دولتمردان یونان بوده است. اما به واسطه این زشت‌نگاری‌ها، نباید این کمدی را سطح پایین و عاری از ارزش‌های هنری ارزیابی کرد. تنها کمدی نویسی در عصر طلایی تمدن این سرزمین که آثارش امروزه به دست آمده آریستوفان نام دارد. کمدی‌های او اگرچه سرشار از سخنان و رفتارهای شناعت‌آمیز و اشاره به امور جنسی و مطایباتی از این قبیل است، اما از حیث ساختار و مضمون، آثاری بسیار پیچیده و درخور تأمل به شمار می‌آیند و به الگوی خلق کمدی در سده‌های بعد تبدیل شده‌اند. این مقاله می‌کوشد خاستگاه و ساختار این "گونه" هنری را در یونان باستان مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی

کمدی، یونان باستان، آریستوفان، جشنواره دیونوسیای بزرگ، جشنواره لنایا، زیبایی شناسی درام.

از دیدگاه روان‌شناسی، خنده و شادکامی به عنوان یک ضرورت در حیات معاصر بشر مطرح است و همین امر سبب شده است که در تمام کشورهای جهان، تولید برنامه‌های کمدی، به صورت یکی از اولویتهای اساسی در رسانه‌های گروهی درآید.

پژوهش درباره کمدی در کشور ما نوپا است. و برخلاف تراژدی و دیگر شاخه‌های درام، کار اندکی بر روی آن صورت گرفته است. بدون تردید این سوال وسوسه‌انگیز که نقطه آغاز هر فرآیندی در فرهنگ جهان، «کی» و «کجا» بوده، می‌تواند سرلوحه شروع پژوهش در آن

مقدمه

جامعه صنعتی امروز، بیش از سده‌های گذشته به افسردگی انسانها در میان اجتماع دامن‌زده است و دنیای معاصر در کنار تمام دستاوردها و پیشرفت‌هایش، به برنامه‌هایی نیاز دارد که زنگار این افسردگی را از قلب و چهره همگان بزدايد. یکی از این برنامه‌های اجتماعی، تولید فیلم، ادبیات و نمایش‌های کمدیک است. کمدی به انسان یاری می‌رساند که ناکامیهای خود را در زندگی روزمره، ولو در کوتاه مدت به فراموشی بسپارد و نشاط دوباره‌ای برای آغاز زندگی بیابد.

به دست دهد. این توانایی او در کتاب فن شعر نیز انعکاس یافته است. او در این کتاب به طبقه‌بندی ادبیات و هنرهای نمایشی یونان باستان پرداخته است و تقسیم بندی او از ادبیات آن عهد، در سه دسته عمده «حماسی» (Epic)، «غنائی» (Lyric) و «دراماتیک» (Dramatic)، اعتبار خود را تا به امروز حفظ کرده است.

ارسطو در فن شعر با استناد به تراژدیهای قرن پنجم پیش از میلاد و به ویژه تراژدیهای «سوفوکل»، خصوصیات و چگونگی پدید آمدن تراژدی را تبیین کرد. اما درباره کمدی، به جز چند جمله پراکنده، چیزی بیان نکرد و چنین اظهار داشت که در این باره در رساله دیگری سخن خواهد گفت. اما متأسفانه هیچ کتابی درباره کمدی، از ارسطو و یا دیگر نویسندگان یونان باستان، تا امروز به دست نیامده است.

اما خوشبختانه یازده کمدی به جامانده از آریستوفان Aristophanes (۴۴۸ تا ۳۸۰ ق.م.) و بخشهای پراکنده‌ای از چهل و چهار کمدی شناخته شده او و قطعاتی که از نمایشنامه‌های بیش از ۸۰ کمدی نویس هم عصر او به دست آمده، این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان به شناختی نسبی از سرچشمه پیدایش کمدی در یونان باستان و تحولات آن دست یافت.

ارسطو در فن شعر، اختراع کمدی را به مردم شهر «مگارا» (Megara) نسبت می‌دهد و معتقد است مگارییهای مهاجر ساکن جزیره سیسیل، آنرا پایه‌گذاری کرده‌اند. (ارسطو، ۱۳۵۷: ۱۱۶) او همچنین اظهار می‌کند که مبدأ ظهور کمدی، ترانه‌های «فالیک» (Phallic) بوده که به افتخار «فالیس» (Phallis) پروردگار تناسل و باروری خوانده می‌شد. (همان: ۱۱۸) این ترانه‌ها، سرودهایی هجوآمیز و خنده دار بود که در جشنهای مربوط به «دیونوسوس» (Dionysus) ایزد شراب و تاکستانها خوانده می‌شد. واژه فالیک منسوب به کلمه «فالوس» (Phallos) به معنی آلت تناسلی ذکور است که پرستش آن در یونان رواج داشته است.

اما واقعیت این است که دیدگاه ارسطو را صرفاً به عنوان یکی از نظریه‌های ممکن، درباره ظهور

زمینه باشد. کمدی، قدمتی به درازای بیست و پنج قرن دارد و بسیاری از قواعد آن از عهد باستان تا امروز تقریباً به صورت معتبر باقی مانده.

نمی‌توان چنین فرض کرد که در دنیای باستان، فقط یونانیها بوده‌اند که به طنز و مطایبه و آفریدن نمایشهای کمیک توجه داشته‌اند، اما قطعاً باید پذیرفت که هیچ نشانه‌ای از خلق کمدی و نمایشنامه‌های کمیک در دیگر تمدنهای کهن تا امروز به دست نیامده و نیای دیرین کمدی را باید یونان باستان تلقی کرد.

سنتهای نمایشی کمیک در یونان باستان

در سده پنجم پیش از میلاد، در آتن تمدنی بنا نهاده شد که جلوه‌های چشمگیری از هنر و ادبیات را به عنوان الگوهایی تکرارپذیر و قابل تقلید به تمام جهانیان عرضه کرد. طی این سده که غالباً از آن با عنوان «عصر طلایی» یاد می‌شود، تراژدی و کمدی به عنوان دوگونه مهم ادبی و نمایشی تثبیت شدند و در جشنواره‌هایی که به مناسبت پرستش ایزدان اسطوره‌ای در آتن و بسیاری از شهرهای دیگر یونان برگزار می‌شد، اجرای نمایش‌های تراژدی و کمدی، دو رکن اساسی مراسم و مناسک چنین جشنواره‌هایی به شمار می‌آمد.

از یونان باستان، جمعاً سی و دو تراژدی و دوازده کمدی کامل به دست آمده که توسط آنها و قطعات پراکنده‌ای که از نمایشنامه‌های دیگر به جا مانده تا حدود زیادی می‌توان به ساختار و ماهیت هنر نمایش و چگونگی گسترش آن در عصر طلایی یونان پی برد.

نقطه آغاز هر پژوهشی درباره خاستگاه درام و علل ظهور آن، همواره متکی به کتاب فن شعر ارسطو (حدود ۳۲۵ ق.م.) بوده است. یکی از مهمترین تواناییهای ارسطو، در آثاری که از خود به جا نهاده این بود که می‌توانست از مقولات مورد پژوهش خود، طبقه بندی منسجم و دقیقی

کار می‌برد، ارائه می‌نمودند» (اچ. جی. رز. ۱۳۵۸: ۳۰۸).

نوعی دیگر از نمایش کمیک که در سده ششم پیش از میلاد، در ناحیه مگارا ظهور کرد، «میم» (Mime - مایم) نام داشت (اسکار براکت، ۱۳۶۳: ۱۱۷). مستعمرات یونان در جنوب ایتالیا و به ویژه سیسیل، در سده پنجم پیش از میلاد، علاقه زیادی به این گونه نمایش داشتند. نمایش میم شامل انواع سرگرمیها، مثل تقلید جانوران و پرندگان، رقص، آواز، شعبده بازی و همچنین نمایش موقعیتهای روزمره به صورتی هجوآمیز می‌شد.

مگارا، شهری در فاصله سی، چهل کیلومتری آتن بود و بی‌تردید نمایشهای بومی آن در شکل‌گیری کمدی آتنی تأثیرگذار بوده است. در «تاراس» (Taras) در جنوب ایتالیا بازیگران این‌گونه نمایشهای کوچک را «فلواکس» (Phlyakes) می‌نامیدند. این نمایشهای کوچک بر اساس میم‌های یونانی آفریده شده بودند از حدود سال ۳۰۰ ق.م. در جنوب ایتالیا رواج یافتند. بر اساس نقاشیهای باقیمانده بر روی گلدانی از میانه سده چهارم پیش از میلاد، می‌توان دریافت که چنین نمایشهایی پیش از رواج یافتن در جنوب ایتالیا در یونان بر روی صحنه‌هایی با ستونهای چوبی اجرا می‌شدند (Hartnoll, 1998:28).

در شهر «تیس» (Thebes) در پنجاه کیلومتری شمال غرب آتن نیز نمایشهای کمیک در جشنواره‌های روستایی به افتخار ایزدان کشاورزی به اجرا درمی‌آمد، که طی آنها اشخاص، به هیئت مبدل در می‌آمدند و کارهای مسخره انجام می‌دادند (اچ.جی. رز، ۱۳۵۸: ۳۰۹). در شهر «سکیونه» (Scione) واقع در دشتی در شمال شرقی یونان جشنی شبه «کوموس» (Comos) آتنی برگزار می‌شد که در آن، مراسم حمل فالوس اجرا می‌گردید و حمل کنندگان این وسیله سپس به سوی تماشاگران می‌دویدند و با آنها شوخی می‌کردند. چنین مراسمی در اصل، در جشنواره‌های تئاتری آتن رایج بود.

کمدی می‌توان تلقی کرد. به هر حال ارسطو، در هنگامی که فن شعر را می‌نوشت بیش از صد و پنجاه سال با نخستین جشنواره‌های تئاتری که در آنها تراژدی و کمدی رایج گشته بود فاصله داشت و از این گذشته، اظهارات ناقص و پراکنده او را درباره کمدی، نمی‌توان نظریه‌ای قطعی در این باب تلقی کرد.

شک نیست که درام یونانی و به ویژه کمدی، پیوندی تنگاتنگ با آیینهای پرستش «دیونوسوس» داشته است. اما نمی‌توان چنین فرض کرد که این آیینها یگانه منشأ ظهور کمدی بوده‌اند و اساساً کمدی را نمی‌توان صرفاً نتیجه تحول و تکامل نوعی آیین و مناسک به حساب آورد. در واقع به جای آنکه کمدی را نتیجه تحول تصادفی آیینها بدانیم، بهتر است آن را نتیجه خلاقیت نویسندگان و هنرمندانی بدانیم که آن را آگاهانه و از ترکیب مجموعه‌ای از عناصر و دستمایه‌های بومی و بیگانه آفریده‌اند. کمدی آتنی که امروزه نمونه‌هایی چند از متون آن را در اختیار داریم، بربردارنده مجموعه‌ای از سنن نمایش‌های کمیک آتن از شبه جزیره «آتیکا» (Attica) و همچنین سنتهای نمایشی غیر آتنی است. در واقع کمدی آتنی نتیجه تحول و ترکیب فعالیتهای نمایشی گوناگونی است که در آن زمان در کل دنیای یونانی سده پنجم پیش از میلاد رایج بوده است. ضمن اینکه باید اذعان کرد که ساختار کمدیهای آریستوفان، یک ساختار ابداعی است و نباید آنها را صرفاً حاصل کنار هم نهادن و به هم پیوستن دو یا چند سنت نمایشی شناخته شده در آن دوران دانست (Cornford, 1968: 8).

در همین دوره مورد بحث، علاوه بر آتن، در نقاط دیگر یونان نیز نمایشهای کمیک رواج داشته است. در اسپارت مقلدانی بودند که به آنان «دئیکلیستای» (Deikelistae) می‌گفتند: «این مقلدان لباس مضحک به تن می‌کردند و صورتکهای سفالین برچهره می‌زدند و تقلیدهای مسخره‌ای از وقایع زندگی روزمره را، نظیر کسی که از باغی میوه می‌دزدد و یا طیب بیگانه‌ای که لغات و اصطلاحات بی سروته و نامأنوس به

دیونوسیای شهر برای خود جایی باز کند و جزو نمایشهای رسمی این جشنواره قرار گیرد. مسلماً در آن هنگام، کمدی آنتی در جایگاه لودگی و سرگرم‌کنندگی محض به اجرا در نمی‌آمد و آن قدر از حیث شکل و محتوا تکامل یافته بود که بتواند شانه به شانه تراژدی‌های بزرگ در یک جشنواره معتبر تئاتری، جایی برای خود باز کند. در سال ۴۴۰ ق.م. نمایش کمدی در جشنواره معتبر تئاتری دیگری به نام «لنایا» (lenaea) رسمیت یافت. جشنواره لنایا برخلاف دیونوسیای شهر که در فصل بهار (در اواخر ماه مارس و اوایل آوریل) برگزار می‌گردید، در زمستان و در ماه ژانویه به اجرا در می‌آمد.

از میان تمامی کمدی‌نویسان سده پنجم پیش از میلاد که نامشان به دست آمده فقط ۱۱ نمایشنامه از کمدیهای «آریستوفان» به طور کامل باقی مانده است. نه اثر نخستین او که طی سده پنجم ق.م نگاشته شده، از نظر طبقه‌بندی تاریخی، جزو «کمدی کهن» (Old Comedy) محسوب می‌شود و دو اثر دیگر که در اوایل سده چهارم خلق شده‌اند، در شمار آثار مربوط به «کمدی میانه» (Middle Comedy) ارزیابی شده‌اند.

شاید امروز این پرسش، بسیار کنجکاوی برانگیز باشد که: «یونانیان باستان به چه چیزهایی می‌خندیدند؟» به این پرسش بر اساس کمدیهای آریستوفان، تا حدودی می‌توان پاسخ داد. مهمترین آماج حمله این کمدی‌نویس، سیاستمداران همعصر او و سوفسطاییان بوده‌اند. دوران زندگی او بر اوج عصر موسوم به دموکراسی، در آتن منطبق بود. کودکی او در دوره حکمرانی «پریکلس» (pricles) _ سال مرگ ۴۲۹ ق.م) سپری شد. پریکلس همه راهها را برای اعتلای آتن و گسترش دموکراسی در آن همواره ساخت. اما او با ایجاد زمینه برای آغاز جنگ با اسپارت، همه دستاوردهای حکومت خود را به باد داد.

سیاستمداران سده پنجم پیش از میلاد به دو گروه اصلی تقسیم می‌شد، اشراف و دموکراتها، دموکراتها از گسترش جنگ استقبال می‌کردند.

در آتن و شهرها و شهرکهای شبه جزیره «آتیکا»، اجرای نمایشهایی به نام کوموس مرسوم بوده است. اجراکنندگان این نمایشها اغلب لباس مضحک به تن می‌کردند و صورتک بر چهره می‌زدند و خود را به صورت جانوران در می‌آوردند و با رقص و آواز، نمایش خود را اجرا می‌کردند. بازیگران چنین نمایشهایی، که می‌توان آنان را شکلک‌سازان (Mummers) نامید، با حرکات خود، ایزدان مربوط به آیینهای باروری و ثمردهی و به ویژه دیونوسوس را می‌ستودند (همان، ۳۰۷).

در کنار این نمایشهای غیر رسمی کمیک، که بیشتر منشأ عامیانه داشتند، در جشنواره دیونوسیای شهر (city dionosia) یا دیونوسیای بزرگ، هر شاعر تراژدی‌نویس، در کنار سه تراژدی عرضه شده، یک نمایش «ساتیر» (satyre) به روی صحنه می‌آورد. ساتیرها در اصل، تقلیدهای نمایشی مسخره‌آمیزی از اسطوره‌ها بودند که با حرکات ناهنجار و خشن و رقصهای پرهیجان و رفتارهای توأم با لودگی همراه می‌شدند. «ساتیر عموماً پس از پایان یک تراژدی جدی و سنگین به عنوان پایانی مفرح و آرام بخش اجرا می‌شده است» (اسکار براکت، ۱۳۶۳: ۷۱).

همه این زمینه‌ها را می‌توان جزو کهنترین کوششهای یونانیان برای آفریدن نمایشهای طنزآمیز و در زمره سرچشمه‌های پیدایش کمدی به حساب آورد. با اینکه، انواع گوناگونی از نمایشهای عامیانه کمیک در تمام مناطق یونان باستان مورد شناسایی واقع شده اما «کمدی» به صورت یک قالب (Genre) هنری مستقل و نوین در شهر آتن ظهور کرد. پیدایش کمدی آنتی، نتیجه تحول و تکامل تدریجی جهش تصادفی آیینها و مناسک اساطیری و یا نمایشهای عامیانه نبوده است، بلکه نقطه پایان فرایند خلاقیت‌های نمایشگران کمدی بوده که به یک ساختار هنری یکپارچه و نوین انجامیده است. این ساختار نوین در سال ۴۸۷ قبل از میلاد به چنان انسجام و استحکامی دست یافته بود که توانست در جشنواره

اِبرها (The Clouds)، ۴۲۳ ق.م. برنده جایزه سوم جشنواره دیونوسیا: ابرها اساساً به عنوان اثری بر ضد سقراط حکیم شناخته شده است. مردی که پسرش در شرطبندی مسابقات اسب سواری بدهی زیادی بالا آورده پس از آنکه موفق نمی شود پسرش را برای کسب فنون شیادی به مدرسه سقراط بفرستد، خود برای تحصیل به مدرسه سقراط می رود. در این کمدی، سقراط و تفکرات او به شدت مورد استهزا قرار می گیرد. اتهامات آریستوفان علیه سقراط (بی دینی و منحرف کردن جوانان)، ربع قرن پس از اجرای این نمایش، در سال ۳۹۹ ق.م. رسماً در دادگاه علیه سقراط مطرح شد و موجب محاکمه و مرگ وی گردید.

کمدی زنبورها (The Wasps)، سال ۴۲۲ ق.م. برنده جایزه دوم جشنواره لنایا: این کمدی، حمله سخت به محاکم قضایی یونان است. پسر جوانی پدرش را که به بیماری محکوم کردن دیگران در دادگاه معتاد شده، برای ترک اعتیاد، در خانه زندانی می کند و پدر، در طول نمایش در می یابد که حاکمان آتن، رذل و عوام فریبند.

کمدی صلح (Peace)، سال ۴۲۱ ق.م. برنده جایزه دوم جشنواره دیونوسیا: «الاهة صلح» به گونه ای نمادین توسط خدای جنگ به اسارت گرفته شده. یک آتنی خسته از جنگ می خواهد سوار بر سوسکی بالدار به عرش خدایان پرواز کند و «صلح» را آزاد کند. او سرانجام «صلح» را با خود به روی زمین می آورد. اسلحه سازان و سازندگان سپر و کلاهخود و زره، از رکود صنعت اسلحه سازی گله می کنند، اما کشاورزان برای بازگشت الاهی، جشن پیروزی برگزار می کنند. این کمدی، کهنترین اثر در ادبیات جهان است که درباره عروج انسان به عرش خدایان نوشته شده است.

کمدی پرندگان (The Birds)، سال ۴۱۴ ق.م. برنده جایزه دوم جشنواره دیونوسیا: موضوع نمایشنامه درباره دو مرد آتنی است که از شهر خود گریخته اند و به قلمرو پرندگان گام نهاده اند، تا آنها را به مقام ایزدان المپ برسانند و شهری را روی ابرها بنا کنند که با قوانین پرندگان اداره

آنها نمایندگان صنفهای مختلف بودند و جنگ به کار بسیاری از آنها رونق می بخشید. آریستوفان از نظر سیاسی به جانب اشراف گرایش داشت. همین امر سبب می شد که به شدت از جنگ و جنگ آفرینان نفرت داشته باشد. از سال ۴۳۱ ق.م. آتش جنگ آتن و اسپارت شعله ور شد. این جنگ که تا سال ۴۰۴ ق.م. به تناوب ادامه داشت به جنگهای «پلوپونزی» معروف شد. این عنوان از نام شبه جزیره ای که شهر «اسپارت» در آن قرار داشت یعنی «پلوپونزوس» (Peloponnesus) برگرفته شده است.

طی این سالها علی رغم اینکه زندگی شهری و روستایی آتن و مناطق اطراف آن به کلی از هم پاشیده بود، اما جشنواره های تئاتری به صورت منظم برگزار می گردید و تراژدیها و کمدیها مرتباً به اجرا در می آمدند. البته نباید فراموش کرد که این جشنواره ها زمینه اعتقادی و نیایشی داشتند و همین امر سبب می شود که حتی در سخت ترین شرایط، هیچ قصوری در اجرای آنها صورت نگیرد. کمدیهای آریستوفان در چنین شرایطی به روی صحنه می رفتند.

کمدی های آریستوفان

کمدیهای او که به دست ما رسیده از این قرار است:

آخارنیها (The Acharnians)، سال ۴۲۵ ق.م. برنده جایزه اول در جشنواره لنایا: موضوع این نمایشنامه درباره زدوبند مردی آتنی با اسپارتهای و انعقاد مخفیانه پیمان صلح با آنان است.

آریستوفان از بیم کلئون، حاکم وقت آتن این نمایشنامه را با اسم مستعار ارائه کرده بود.

سلحشوران (The Knights)، ۴۲۴ ق.م. برنده جایزه اول جشنواره لنایا: موضوع آن درباره «کلئون» و عوام فریبی او است. کلئون پس از مرگ پریکلس در آتن به قدرت رسید. در این نمایشنامه مردم آتن برای برکنار کردن کلئون، فردی فاسدتر از او را می یابند و به جای او می نشانند.

می‌گیرد که اشیل را با خود به جهان زندگان بیاورد. این اثر را می‌توان کهنترین نقد ادبی جهان به شمار آورد.

این ۹ کمدی از حیث طبقه‌بندی کمدی یونانی، به دوره کمدی کهن تعلق دارند. از آریستوفان دو نمایشنامه نیز از دوره کمدی میانه به دست آمده است:

کمدی اکلیسیازوسای (Ecclesiazusae)، سال ۳۹۱ ق.م. در این نمایشنامه که سومین کمدی زنانه آریستوفان به شمار می‌آید، زنان در سحرگاه، در لباس مبدل شوهرانشان، مجلس ملی آن را اشغال می‌کنند و قانونی را به تصویب می‌رسانند که قدرت و حکومت را به زنان تفویض می‌کند. زنان، فرمانروای آن می‌شوند و تمام ثروت‌های شخصی را ملی اعلام می‌کنند و به همه مردم به تساوی غذا می‌دهند. این نمایشنامه را نیز باید در راستای اندیشه تأسیس آرمان شهر و برقراری عدالت همگانی در جامعه محسوب کرد.

کمدی پلوتوس (Plutus)، سال ق.م. اندیشه برپایی آرمان شهر در این کمدی نیز تداوم یافته است. مردی آتئی تلاش می‌کند «پلوتوس» خدای ثروت را که زئوس او را کور کرده، درمان کند. این مرد آتئی بر این باور است که اگر نابینایی پلوتوس، علاج شود، همه دردهای بشر نیز درمان خواهد شد. او پلوتوس را به معبد «آسکلپیوس» (Asclepius - خدای پزشکی) می‌برد و با درمان او، عدالت را بر روی زمین برقرار می‌کند.

در کمدی میانه، دیگر هجو شخصیت‌های سیاسی یا اجتماعی (همانند کمدی کهن) دیده نمی‌شود. علاوه بر این، در کمدی کهن عبارات مستهجن، شوخی‌های شنیع، اشارات طنزآمیز جنسی و سخنان رکیک وجود دارد. اما در این دو اثر باقیمانده از کمدی میانه چنین تمهیداتی یا اصلاً وجود ندارد و یا به صورت بسیار معتدل به کار رفته است.

از این گذشته در کمدی میانه نقش گروه همسرایان بسیار تقلیل یافته. در کمدی کهن، همسرایان در میان بخش‌های مختلف نمایشنامه،

تا آنها را به مقام ایزدان المپ برسانند و شهری را روی ابرها بنا کنند که با قوانین پرندگان اداره شود. طرح داستانی این کمدی، بیانگر آرزوهای بشر برای ساختن مدینه فاضله یا آرمان شهر (Utopia) است. همه پژوهشگران تئاتر و ادبیات جهان، این کمدی را متفقاً شاهکار آریستوفان می‌دانند.

کمدی لوسیستراتا (Lysistrata)، سال ۴۱۱ ق.م. این کمدی در هیچ جشنواره‌ای جایزه‌ای کسب نکرد. موضوع آن عبارت است از اعتصاب جنسی زنان آتن و اسپارت علیه مردان جنگ‌طلب. مردان که با وضعیت خطیری مواجه شده‌اند، سرانجام به خواسته زنان گردن می‌نهند و پیمان صلح می‌بندند. داستان جسورانه این کمدی و عقب‌نشینی مردان در این اثر، همواره مورد توجه زنان قرار داشته است.

کمدی تسموفوریزوسای (Thesmophoriazusae)، سال ۴۱۱ ق.م. این نمایشنامه نیز موفق به اخذ جایزه‌ای نشد. اگر چه موضوع آن ادبی و اجتماعی است، اما همانند نمایشنامه پیشین، اثری زنانه محسوب می‌شود. زنان آتئی برای شرکت در جشنواره تسموفوریا (مربوط به پرستش «دمتر» و «پرسفونه»، الاهگان زراعت و حاصلخیزی) گرد آمده‌اند و می‌خواهند علیه «اورپید»، تراژدی نویس نامدار که به نظر آنان سیمایی نامطلوب از زنان را در آثارش ارائه داده است، تصمیم بگیرند. اورپید پدر زنش را به شکل زن در می‌آورد و به میان آنها می‌فرستد تا از او دفاع کند. زنان او را می‌شناسند و دستگیرش می‌کنند و سرانجام اورپید پس از مصالحه با زنان، او را آزاد می‌کند.

قورباغه‌ها (The Frogs)، سال ۴۰۵ ق.م. جایزه اول جشنواره لنایا: موضوع کمدی قورباغه‌ها تماماً ادبی است. دیونوسوس، ایزد شراب و حامی تراژدی، از مرگ اورپید غمگین است و می‌خواهد به جهان مردگان برود و او را به روی زمین بازگرداند. اما در دنیای ارواح، به دنبال مناظره‌ای که میان اشیل (Aeschylus) و اورپید برگزار می‌گردد، دیونوسوس تصمیم

نویسندگان موروثی بوده است و این نویسندگان در عصر خود، شخصیت‌های ادبی چشم‌گیری محسوب می‌شده‌اند. بنابراین از حیث شأن اجتماعی و ارزش فرهنگی، آریستوفان نیز بی‌تردید، همپایه تراژدی‌نویسان بزرگ بوده و علی‌رغم استهجانی که در آثارش وجود دارد، همواره به عنوان شخصیتی تأثیرگذار بر روند شکل‌گیری فرهنگ و تفکر یونانی جایگاهی شاخص داشته است.

رکاکت، استهجان و رفتار و حرکات شنیع در آثار او، هیچ‌گاه صرفاً به قصد خنداندن ظهور نکرده است. با معیارهای امروزی شاید کمدهای او غیر اخلاقی به نظر بیاید، اما اصولاً نمی‌توان او را به نویسنده‌ای ضد اخلاق قلمداد نمود. کمدهی یونانی در عصر وی، دارای ساختار منظم و شناخته شده‌ای بود. رعایت این ساختار و تبعیت از آن، یکی از مشخصه‌های مهم زیبایی‌شناسی درام آنتی بوده است. همان‌گونه که در بخش نخست این مقاله ذکر شد، در آن عهد سنن گوناگون نمایشی کمیک، در سرتاسر یونان باستان رواج داشت که هر فرد شناخت طلبی می‌توانست در آن شرکت کند و رکاکت و استهجان را (در معیارهای اجتماعی آن روزگار) در چنان نمایش‌های عامیانه‌ای به کار برد. ساختار بغرنج و لازم‌الرعایه‌ای که آریستوفان بدان پایبند بود، نوع کمال یافته‌ای از زیبایی‌شناسی «کمیک» را به منصفه ظهور می‌نشانند. این ساختار منظم و قاعده‌مند را، در عصر کلاسیک، باید اساس زیبایی‌شناسی تئاتری تلقی کرد چرا که هر گونه تخطی از آن، موجب انزوای هنرمند و دور شدن او از عرصه رقابتها می‌شد. (اوریبید قاعده شکن در نوشتن تراژدی همواره از این حیث تحت فشار بود. او به خاطر پاره‌ای نوآوری‌های نامعمول، اغلب در کمدهای آریستوفان، مورد استهزا واقع می‌شد.)

نکته بسیار مهم دیگر، کاربرد این زشت‌نگاری‌ها در راستای اهدافی والا و انسانی است. آریستوفان اصولاً نویسنده‌ای لوده و مضحکه نویسی نیست. در پشت تمام جمله‌ها و رفتارهای زشت، هدفی زیبا و انسانی را دنبال می‌کند.

به سرودخوانی می‌پردازند و گاه، سرودهای بسیار طولانی و ادیبانه می‌خوانند. اما در کمدهای «اکلسیازوسای» و «پلوتوس»، گروه همسرایان به جز دیالوگ‌های کوتاهی که در هنگام ورود یا خروج دارند، در میان «پیزودهای» نمایشنامه، بدون هیچ‌گونه گفتاری، فقط به رقص می‌پردازند. در واقع نقش آنها تا یک میان‌پرده سرگرم‌کننده تقلیل یافته است.

در کمدهی کهن، گروه همسرایان، اندکی پس از ورود و در واقع در دومین سرودخوانی بر روی صحنه، قطعه‌ای به نام «پاراباسیس» (Parabasis) را اجرا می‌کردند، که طی آن به جلوی صحنه می‌آمدند و به صورت رودرو با تماشاگران، به آواز سخن می‌گفتند. در کمدهی میانه، اجرای چنین قطعاتی به کلی حذف شده است و به جای همسرایان، شخصیت اصلی نمایشنامه با گفتاری بسیار کوتاه با تماشاگران سخن می‌گوید.

در مجموع، کمدهی میانه در قیاس با کمدهی کهن فضایی بسیار معتدلتر دارد. از کنایه‌های تند سیاسی در آن خبری نیست و هدفش بیشتر بیان آرزوها و آرمانها است، تا انتقاد از وضع موجود.

اما آیا می‌توان چنین تصور کرد که این یازده نمایشنامه تصادفاً از گزند ایام مصون مانده‌اند و امروز به دست ما رسیده‌اند؟ یا اینکه در این کمدها و نویسنده آنها جوهری نهفته بوده است که سبب ماندگاری آنها شده؟ و یا اصولاً چرا فقط تراژدیهای اشیل، سوفوکل و اوریبید و کمدهای آریستوفان، از عصر طلایی یونان به جا مانده؟ پاسخ J.R.Green تا حدودی روشنگر است.

او در کتاب Theatre in ancient Greek Society توضیح داده است که این نویسندگان به خانواده‌هایی با فرهنگ و تحصیل کرده تعلق داشته‌اند. علاوه بر این او ذکر کرده که «پسران این سه تراژدی‌نویس و همچنین پسران آریستوفان، نمایشنامه نویسی بوده‌اند» (J.R.Green, 1994:13) بنابراین می‌توان چنین فرض کرد که نویسندگی در خاندان این

منابع و مأخذ

- ۱- ارسطو (۱۳۵۷) فن شعر، ترجمه دکتر عبدالحسین زرین کوب انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
- ۲- اچ. جی. رز (۱۳۵۸) تاریخ ادبیات یونان ترجمه ابراهیم یونسی انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.
- ۳- اسکات براکت (۱۳۶۳) تاریخ تئاتر جهان ترجمه هوشنگ آزادی‌ور، انتشارات مروارید، چاپ اول.

- 1 corn ford Francis MacDonald (1968) the origin of attic comedy Cambridge University Press.
- 2 Russo carol Ferdinand (1994) Aristophanes an author for the stage Rout ledge London New York
- 3 Neuvill JR. H. Richmond (1966) the plays of Aristophanes Monarch press New York
- 4-Hartnol Phyllis (1998) the theatre a concise history Thames and Hudson New York London
- 5 Green J.R. (1994) Theatre in ancient Greek society .Rout ledge London .New York
- 6 Taaffe. Lauren k. (1994) Aristophanes and women - Rout ledge London -New York

«اچ.جی.رز» درباره او گفته است: «عظمت آریستوفان فقط بر سنتهای بینابینی و میانه‌ای که وی در آن کار می‌کرد، استوار نیست. وی علاوه بر اینکه شاعری بزرگ و مردی بسیار ظریف و نکته بین بود، به معنای وسیع کلمه، نوع پرست و نوع دوست بود» (رز، ۱۳۸۵:۳۳۲). او شخصیت‌هایی عادی و ستم‌دیده را در آثار خود می‌آفرید و غالباً آنها را در پایان کمدی به پیروزی می‌رساند. از این گذشته او کاملاً به تعالی و ترقی آتن وفادار بود و حمله به سوفسطاییان، سقراط، اورپید و مجموعه حکمرانان جنگ طلب، بخشی از احساس وظیفه انسانی او نسبت به هموعان و همشهریانش بود. روح بلند و طبع بالای او ایجاب می‌کرد که از آن دسته از عقایدی که به گمان او موجب نجات آتن می‌شد، با سرسختی دفاع کند؛ حتی اگر در این دفاع، کاربرد الفاظ و اعمال زشت ضرورت داشته باشد.

آرمانگرایی او سبب می‌شد که در بسیاری از آثارش، در اندیشه تأسیس یک «آرمانشهر» باشد. او این جهان را غرق نابسامانی می‌دید و گویی یک تنه برای سامان بخشیدن به آن، آستین بالا زده بود. این، راز جاودانگی او است و او را بر فراز شانه دیگر کمدی‌نویسان تاریخ قرار داده است.